

بیداری اسلامی و توهم شیعه‌هراسی (چالش‌ها و راهکارها)

غلامحسن مقیمی^۱

چکیده

به همان نسبت که بیداری اسلامی - تمدنی، نویدبخش بازگشت به ارزش‌های عدالت‌خواهانه و کنش ارتباطی فرهنگی و مسالمت‌آمیز تمدن اسلامی است، به همان اندازه چالش‌ها و هراس‌هایی را نیز برای نظام سلطه ایجاد کرده است. بدین لحاظ طی سال‌های گذشته، بیداری تمدن اسلامی در درون خود، دو پتانسیل فرصت و تهدید را جای داده است. این تحقیق می‌کوشد توهم شیعه‌هراسی را به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدات بیداری اسلامی - تمدنی کالبدشکافی کند. از این منظر، علل بروز و راهکارهای مقابله با آن مهم‌ترین دغدغه این نوشتار است. به نظر نگارنده، استراتژیست‌های هژمونی بین‌المللی بعد از ظهور بیداری تمدنی در ایران و صدور آن، متوجه پتانسیل بالای قدرت نرم شیعه در جهت جریان‌سازی عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی و استقلال‌طلبی شدند که اگر کنترل نشود، به‌زودی مرزهای ایران را در می‌نوردد و زمینه گسترش اسلام سیاسی و دولت‌های اسلامی مشابه ایران را در منطقه خاورمیانه فراهم می‌آورد؛ ازاین‌رو پروژه شیعه‌هراسی به منظور مصادره مفاهیم اصیل اسلام ناب طراحی شده است که راهکار مقابله با آن، بصیرت سیاسی و واکاوی آموزه‌های صلح‌جویانه، وحدت‌طلبانه و کنش ارتباطی خردمندانه و معنویت‌خواهانه اسلام است.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی - تمدنی، شیعه‌هراسی، قدرت نرم اسلام، راهکارها.

۱- استادیار جامعه المصطفیٰ العالمیه.



طرح مسئله

نوید حرکت «بیدار اسلامی - تمدنی» یا خیزش اسلامی، به اعتراف عده زیادی از جامعه‌شناسان و اندیشمندان تاریخی، دست‌کم به چندین دهه قبل می‌گردد؛ برای نمونه سید قطب در کتاب خود تحت عنوان المستقبل لهذا الدین بشارت بیداری داد یا خاورشناس انگلیسی به نام «مونتگمری وات» در کتابی که در سال ۱۹۶۴ منتشر کرد، می‌گوید: بیداری اسلامی، ایدئولوژی جهادی خواهد شد که در پایان قرن بیستم بر جهان معاصر حاکم می‌شود (لقطان، ۱۳۸۴، ص ۳۷۴). ژوگانوفسکی دانشمند روسی نیز به دنبال انقلاب سوسیالیستی در سال ۱۹۱۹ کتابی نوشت و گفت انقلاب سوم متعلق به جهان اسلام است (همان، ص ۳۷۵). همچنین ادوارد سعید در کتاب اسلام رسانه‌ها پیش‌بینی بیداری و خیزش اسلامی را از زبان برنارد لوئیس، به عنوان آنتی‌تز اندیشه لیبرال دموکراسی طرح نموده است (سعید، ۱۳۷۹، مقدمه). از این‌رو جنبش بیداری اسلامی اهل‌بیتی علیه‌السلام که نویدبخش بازگشت به ارزش‌های دینی، صلح، عدالت، زندگی معطوف به گفت‌وگوی تمدنی و کنش ارتباطی فرهنگی بود، از منظر اندیشمندان و نخبگان، پدیده‌ای قابل پیش‌بینی بوده است؛ لذا مورد توجه استراتژیست‌ها قرار گرفت.

بدین لحاظ طی سال‌های گذشته، بیداری اسلامی در درون خود، پتانسیل فرصت و تهدید را توأمان بازتولید نموده است؛ فرصت برای مصلحان، صلح‌جویان، عدالت‌خواهان و تهدید برای هژمونی حاکم که هرگونه نظام عادلانه مبتنی بر تعامل مسالمت‌آمیز و بشردوستانه را مخالف منافع خود می‌پندارد. اگرچه نقطه عزیمت بیداری اسلامی در چارچوب مقایسه جهان اسلام و جهان غرب رقم خورد و مهم‌ترین عوامل فرهنگی و سیاسی آن، یعنی استبداد داخلی و وابستگی آنها به قدرت‌های بزرگ، تحقیر فرهنگی توسط قدرت‌های غربی و نیز غارت منابع اقتصادی جهان اسلام می‌باشد، با همه این توصیفات، آیا آموزه‌های اسلامی مشوق مقابله به مثل است؟ آیا اسلام اصیل در پی خشونت است؟ قطعاً پاسخ آن منفی است؛ چراکه اسلام دین رحمت، اعتدال، عدالت، گفت‌وگو و

همزیستی مسالمت‌آمیز است. این ادعای نویدبخش و حیات‌آفرین را می‌توان در آموزه‌های قرآنی ردیابی کرد؛ برای نمونه آیه شریفه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ» (آل عمران: ۶۴) که اهل کتاب را به همزیستی مسالمت‌آمیز در ذیل اصل توحید می‌خواند یا آیه شریفه «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت: ۴۶) نشان از فراخوان اسلام به کنش ارتباطی احسن و متعقلانه است نه اجبارانه: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶)؛ چون اسلام شالوده روابطش را مبتنی بر صلح قرار داده است. شاهد آن آیه شریفه «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (انفال: ۶۱) و نیز «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» (بقره: ۲۰۸) است؛ بنابراین شگفت نیست که اسلام را دین همزیستی مسالمت‌آمیز بدانیم و به دنبال آن بیداری اسلامی را بازگشت به چنین آموزه‌هایی بدانیم؛ ازاین‌رو تفاوت تمدنی و تنوع ملی و قومی را تنها برای شناخت، معرفت، تعقل و تعامل خردمندانه می‌داند نه نفرت، تعصب و دشمنی؛ چرا که فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات: ۱۳).

اما آنچه پرسش و مسئله اصلی برای این مقاله شده است، این است که با وجود آموزه‌ها و ظرفیت‌های مسالمت‌جویانه اسلام، چرا موضوع اسلام‌هراسی و به‌طور خاص شیعه‌هراسی در سال‌های اخیر مطرح شده است و ظرفیت مثبت بیداری اسلامی را از درون به چالش کشانده است؟ درنهایت برای مقابله با این چالش و آسیب چه راهکاری وجود دارد؟

«فرضیه» اجمالی پژوهش این است که استراتژیست‌های نظام سلطه بعد از ظهور انقلاب اسلامی در ایران متوجه پتانسیل بالای قدرت نرم شیعه و اهل‌بیتی علیهم‌السلام شدند. آنان همچنین آگاه شدند که مؤلفه‌های استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی مفاهیمی هستند که به‌زودی مرزهای ایران را در می‌نوردد و زمینه دولت اسلامی مشابه ایران را فراهم خواهد کرد؛ ازاین‌رو به نظر می‌رسد پروژه شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی به منظور تحریف و مصادره محتوای فرهنگی بیداری اسلامی طراحی شده است. به نظر نگارنده راهکار مقابله با آن، بصیرت سیاسی و معرفی ماهیت واقعی بیداری اسلامی از طریق آموزه‌ها و ظرفیت‌های صلح‌جویانه اسلام و نیز دیپلماسی فعال

اعتمادسازی است.

«متغیر مستقل» تحقیق ظهور قدرت نرم و آموزه‌های الهام‌بخش شیعه در خاورمیانه در راستای مقابله با استبداد و استثمار و نیز طرح زندگی مسالمت‌جویانه و عادلانه در عرصه بین‌الملل، «متغیر وابسته» آن توهم و پروژه شیعه‌هراسی و «متغیر واسطه» آن بیداری اسلامی - تمدنی است. خلاصه آنکه به نظر می‌رسد استراتژی هژمونی سرمایه‌داری با مستمسک‌قراردادن اندیشه لیبرال دموکراسی مهم‌ترین آنتی‌تز خود را پس از جنگ سرد با کمونیسم، قدرت اسلام سیاسی و تمدن اهل‌بیتی (علیه‌السلام) یافته است؛ لذا به دنبال مصادره و کنترل بیداری اسلامی (پیش از تبدیل شدن آن به نهاد و ساختار سیاسی) است؛ ازاین‌رو پروژه شیعه‌هراسی از جمله حملات نرم پیش‌دستانه است تا به لحاظ داخلی مذاهب مختلف شیعه و سنی را درگیر جنگ درون‌سازمانی نموده و به لحاظ خارجی بیداری اسلامی را تهدیدی برای لیبرال دموکراسی قلمداد نماید. از طرف دیگر راهکارهای مقابله با توهم شیعه‌هراسی (متغیر وابسته) معرفی و بازخوانی آموزه‌ها و ظرفیت‌های اسلامی (متغیر مستقل) می‌باشد که تنها از مجرای بیداری اسلامی (متغیر واسطه) امکان‌پذیر می‌باشد.

۱. مفاهیم تحقیق

با توجه به سؤال اصلی و متغیرهای بحث، این تحقیق دارای سه مفهوم کلیدی می‌باشد که به توضیح اجمالی آنها می‌پردازیم:

الف) شیعه‌هراسی

واژه شیعه‌هراسی يك كليدواژه ترکیبی است که ابتدا توسط تونی بلر مطرح شد، سپس ایالات متحده آمریکا به عنوان يك راهبرد، وارد دیپلماسی امنیتی آمریکا کرده است. این راهبرد به دنبال حمله نرم‌افزارانه برای جلوگیری از همزیستی مسالمت‌آمیز بین شیعه و سنی، تمدن مسیحی و اسلامی و تقویت واگرایی دولت‌های اسلامی طرح شده است (دلاور پوراقدم، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

درواقع مفهوم شیعه‌هراسی به شکل فزاینده‌ای با راهبرد جنگ نرم غرب علیه قدرت نرم

شیعه و نیز در چارچوب بیداری اسلامی قابل فهم است. هدف اصلی راهبرد توهم شیعه‌هراسی، جلوگیری از تکرار حکومت اسلامی در دیگر کشورهای اسلامی است؛ لذا صاحبان قدرت و سرمایه در تونس، مصر، یمن و بحرین تلاش می‌کنند نظام سیاسی موجود باقی بماند و صرفاً رأس و برخی از مدیران ارشد آن تغییر کند.

ب) قدرت نرم (آرمان‌های بیداری اسلامی)

ظاهراً این مفهوم را اولین بار آقای جوزف نای از دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۹۰ در کتابی تحت عنوان تغییر ماهیت قدرت آمریکایی مطرح و در سال ۲۰۰۴ قدرت نرم را در کتاب قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل با تفصیل بیشتری بحث نموده است. از منظر وی قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جذابیت‌های فرهنگی، نه اجبار و تطمیع (جوزف نای، ۱۳۸۷، ص ۲۴). بنابراین مفهوم قدرت نرم در برابر قدرت سخت می‌باشد و رابطه مستقیمی با ایدئولوژی، فرهنگ، ارزش‌ها و باورها دارد. بدین لحاظ می‌توان گفت قدرت نرم اثربخش‌تر، جذاب‌تر و باثبات‌تر از قدرت سخت و مستقیم است.

ج) بیداری اسلامی - تمدنی

مفهوم بیداری اسلامی که امروزه شاهد آن در کشورهای منطقه هستیم، به این معناست که مسلمانان از يك دوره فترت، رخوت و رکود خارج شده و آگاهی تمدنی و بصیرت سیاسی نسبت به پیشینه خود پیدا کرده‌اند (آلاله، ۱۳۹۰).

بدین لحاظ بیداری اسلامی - تمدنی مرادف با آگاهی سیاسی، بصیرت سیاسی به همراه بازگشت به آرمان‌های اسلامی است؛ به عبارت دیگر بیداری تمدنی به دنبال طرح مجدد اسلام به عنوان شیوه و مدل زندگی در برابر دیگر مکاتب و شیوه‌های زندگی متداول دنیاست.

در هر صورت می‌توان گفت بیداری اسلامی - تمدنی مفهومی بسیط نیست، بلکه دارای رویکردهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و اندیشه‌ای است که در مجموع می‌توان گفت عبارت از باورهای اسلامی تعمیم یافته است (ترمز، ۱۳۷۸، ص ۳۶۴) که همراه با بصیرت و آگاهی سیاسی است؛ به عبارت دیگر اگر آگاهی سیاسی و بازگشت به ارزش‌های اسلامی

از سطح نخبگان جامعه عبور کند و در سطح توده مردم تعمیم یابد، می‌توان از آن به بیداری و خیزش تمدنی یاد کرد.

البته ارائه تعریف مشخص و مورد وفاق برای مفهوم بیداری اسلامی - تمدنی تا حدی مشکل است؛ ولی تا حدودی بر روی عناصر و مؤلفه‌های آن اتفاق نظر وجود دارد. درواقع بیداری اسلامی واکنشی است بر مؤلفه‌های عقب‌ماندگی، سیاست‌های لائیک و سکولاری حاکمان مسلمان، استبداد و عدم آزادی سیاسی داخلی، تحقیر فرهنگی و غرب‌گرایی، تقدم منافع صهیونیسم و نظام سلطه بر منافع کشورهای اسلامی (تسخیری، پگاه حوزه، ش ۳۰۵؛ بابی سعید، ۱۳۷۹، ص ۱۷۹) و نگاه مدنی و تمدنی نسبت به اسلام.

از مطالب پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت که بیداری اسلامی پروسه چندمرحله‌ای است که طی دویست سال اخیر روی هم انباشته گردید و درنهایت در قالب خیزش اسلامی - تمدنی در سال‌های اخیر ظهور و بروز نموده است. این بازخیزی تمدنی در ایران بعد چهار دهه، اکنون از مراحل «فردسازی»، «جامعه‌سازی» و «دولت‌سازی» عبور نموده و وارد عرصه «تمدن‌سازی» شده است (امام خامنه‌ای، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷، بیانیه گام دوم انقلاب).

۲) بیداری اسلامی - تمدنی و شیعه‌هراسی

فصل مشترک بیداری تمدنی در کشورهای اسلامی - با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی شیعی ایران - مقابله با طلسم و اختاپوس استبداد داخلی، وابستگی سیاسی و اقتصادی خارجی، تحقیر فرهنگی و بازگشت به خویشتن و اصالت‌های فرهنگی خود است. انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای که بر مبنای باورهای دینی بنیان و بر اساس شیوه‌های جدید مردم‌سالاری، ساختار سیاسی بدیلی را به جهانیان عرضه داشت، اکنون الگوی مدیریتی جدید برای مقاومت و بیداری اسلامی در منطقه شده است. به‌طورقطع اگر ارزش‌های انقلاب اسلامی همانند دیگر جنبش‌های متداول در جهان اسلام، مبتنی بر ناسیونالیسم، سوسیالیسم یا لیبرالیسم بود، این‌گونه باورهای آن، با واژه‌هایی همانند تروریسم، هلال شیعی، بنیادگرا، جهادی و... مورد حمله قرار نمی‌گرفت.

آنچه برای این مقاله مهم است، آسیب‌ها، تهدیدات و چالش‌های آن است. به‌طورکلی می‌توان تهدیدات و آسیب‌های خیزش اسلامی را به دو دسته درونی و بیرونی سطح‌بندی کرد. آسیب‌های درونی همانند تفرقه و اختلافات قومی و فرقه‌ای، تحجر و جمود فکری، تکیه بر روش‌های نظامی خشن و رادیکالیسم در پوشش جهاد که موجب تخریب چهره فرهنگی و توحیدی حرکت بیداری می‌شود و در پی آن هزینه سنگینی را بر جهان اسلام تحمیل و زمینه حمله نرم‌افزارانه و تبلیغات رسانه‌ای بدخواهان را فراهم می‌کند.

در سطح بیرونی نیز آسیب‌های مهمی بیداری اسلامی را تهدید می‌کند. آسیب‌هایی مثل حضور نظامی قدرت‌های بزرگ، نفوذ قدرت‌های خارجی در درون جنبش بیداری اسلامی، تحریف باورها و مطالبات اصیل بیداری اسلامی توسط رسانه‌ها، تدوین پروژه‌ها و راهبردهای تخریبی صاحبان زر و زور و تزویر- همانند قوس سنی و هلال شیعی، ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی، هلال بحران، ژئوپلتیک شیعه و...- علیه جنبش بیداری اسلامی است که جمهوری اسلامی به عنوان پرچمدار بیداری اسلامی می‌تواند حامی مطمئنی برای آنان باشد.

به دلیل گسترش مؤلفه‌های آسیب‌های بیداری اسلامی، این تحقیق روی یکی از عوامل تهدید خارجی یعنی توهم شیعه‌هراسی می‌پردازد و آن را از زوایای مختلف سیاسی، فرهنگی و ژئوپلتیکی کالبد شکافی می‌نماید و درنهایت راهکار مقابله با آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳) زمینه‌ها و عوامل شیعه‌هراسی

زمینه‌های طرح شیعه‌هراسی به منظور مقابله با بیداری اسلامی به سه نکته اساسی و کلیدی معطوف می‌باشد که در ذیل به اختصار به آنها می‌پردازیم:

الف) عامل سیاسی (در جست‌وجوی آنتی‌تز)

بُعد سیاسی آن به تحولات کلان در سیاست بین‌الملل و فروپاشی شوروی مرتبط است. با فروپاشی شوروی، جنگ سرد و روانی نظام سلطه دچار آسیب جدی شد و لیبرالیسم

دشمن فرضی خود را از دست داد؛ لذا برای توجیه شکست‌ها، ناکامی‌ها و بحران‌های داخلی خود، سیاست فرافکنی (وجود دشمن فرضی) به عنوان مهم‌ترین حربه روانی دچار مشکل شد. بدین لحاظ استراتژیست‌های صهیونیست مسیحی، همچون هانتینگتون و کیسنجر، پل ویلفو ویتز و... اسلام را به عنوان آنتی‌تز لیبرالیسم وارد معادلات بازی سیاسی بین‌المللی نمودند. در حقیقت تئوری جنگ تمدن‌ها، تئوری هلال شیعی و... اساس جهت‌گیری آینده نظام سلطه جهانی را در خاورمیانه بازسازی می‌کند که در دو سال اخیر تئوری شیعه‌هراسی در حاشیه آن طراحی شد.

به لحاظ سیاسی در سطح مناقشات بین‌الملل که چندین دهه پایایی مبتنی بر بلوک‌بندی ایدئولوژی لیبرالیسم در برابر مکتب کمونیسم بوده است، که در نهایت کمونیسم در آستانه قرن بیست و یکم فرو پاشید. در پی آن، مناسبات نظام جهانی بر اساس دیدگاه نظریه‌پردازان خوش‌بین (فوکویاما - نظریه پایان تاریخ) «تک‌قطبی لیبرالی» و طبق اندیشه نظریه‌پردازان واقع‌گرا (هانتینگتون - جنگ تمدن‌ها) «نزاع چندقطبی تمدنی» پیش‌بینی شده است؛ اما دیری نپایید که نظریه خوش‌بینانه از صحنه روابط بین‌الملل حذف و نظریه جنگ تمدن‌ها با تمرکز محوری روی نزاع تمدنی غرب و اسلام آغاز شد و در پی آن مفاهیمی از قبیل «تروریسم»، «جنگ تمدن‌ها»، «بنیادگرایی اسلامی»، «هلال شیعی»، «ژئوپلیتیک شیعه»، «ایران‌هراسی» وارد بازار سیاسی و رسانه‌های جهان شد. به دنبال ۱۱ سپتامبر طرح خاورمیانه بزرگ طراحی و در پی آن خاورمیانه اشغال و دولت شیعی به عنوان کانون اسلام سیاسی محاصره نظامی شد. در حقیقت محاصره نظامی ایران در راستای محاصره اقتصادی بوده است که اکنون با پروژه شیعه‌هراسی حلقه محاصره را به مرزهای فرهنگی نیز گسترش داده است.

آقای ادوارد سعید در این باره اظهار می‌دارد آنچه تنور رسانه‌های غرب علیه اسلام را شعله‌ور کرد، گردهمایی بین‌المللی سران کشورها از جمله بیل کلینتون، شیمون پرز، حسنی مبارک و یاسر عرفات در شرم‌الشیخ برای بررسی مسئله تروریسم بود که در نطقی، همه شرورها به اسلام و جمهوری اسلامی نسبت داده شد (سعید، ۱۳۷۹، ص ۱۳) یا ایشان از قول دانیل پیپز (شرق‌شناس ضد مسلمان) در فصلنامه علایق ملی که در شماره پاییز ۱۹۹۵

تحت عنوان «اعتدالی وجود ندارد، سروکار با اسلام بنیادگراست» نقل می‌کند که گفته است آنها که می‌گویند دوران اسلام سیاسی به سر آمده، ساده‌لوح‌اند. سپس وی اضافه می‌کند که اسلام خشن، نامعقول، عبوس و سازش‌ناپذیر است؛ لذا جنگ سرد بعدی، جنگ با اسلام سیاسی است (همان، ص ۱۷-۱۸). بدیهی است مراد وی از اسلام سیاسی بیداری و خیزش اسلامی است که در حال عبور از مرزهای جمهوری اسلامی است.

یا نشریه نیویورک تایمز در ژانویه ۱۹۹۶ در ستون هفته‌ای خود نوشت: «خطر سرخ رفت، خطر اسلام آمد» (همان، صص ۱۹ و ۲۳) آقای میلتن ویرست (نویسنده مجله نیویورکر) کتابی تحت عنوان قصرهای شنی: عرب‌ها در جستجوی جهان مدرن در سال ۱۹۹۴ منتشر کرده است و تمامی موارد اسلام‌هراسی را جمع کرده است و لذا در این مورد منبع خوبی می‌تواند باشد. موضوع اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی نه تنها در رسانه‌ها و نشریات، به‌طور گسترده دنبال می‌شود، بلکه در سطح فیلم‌ها نظیر جهاد در آمریکا- که از شبکه PBS پخش شد- و دروغ‌های راست، اسلام را تهدیدکننده، خشم‌آلود و مسلمانان را ابلیس و تشنه خون آمریکایی‌ها معرفی می‌کند و نیز در سطح رمان‌ها مثل ویس ناپیول در رمان‌های خم رودخانه، چریک‌ها و سفر اسلامی همین خط سیر را دنبال می‌کند (همان، ص ۲۵-۲۶). خلاصه اینکه اکنون تعداد زیادی از رسانه‌های غرب، اسلام و مسلمانان را آنتی‌تز لیبرال دموکراسی که در پی برهم‌زدن نظم دموکراتیک و وضع موجود است، معرفی می‌کنند. درواقع اسلام سیاسی مظهر خشونت و تهدیدکننده تمدن لیبرال دموکراسی تفسیر می‌شوند.

آقای ادوارد سعید سپس موضوع اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی را کالبد شکافی می‌کند و سه علت مهم آن را متذکر می‌شود. اول احساس وحشت‌آور غرب از نیاز به انرژی و تمرکز آن در جهان اسلام است و لذا طرح شیعه‌هراسی می‌تواند موجب تشدید نزاع بین اسلام‌گرایان و کشورهای اسلامی شود تا جریان انتقال ارزان نفت به غرب به واسطه بیداری اسلامی دچار بحران نشود. دوم انقلاب اسلامی ایران است که مفاهیم و پتانسیل استکبارستیزی، عدالت‌خواهی، عقلانیت سیاسی اسلامی ارائه نموده که الگوی موفق اسلام سیاسی برای حرکت خیزش اسلامی در عصر مدرنیته خواهد شد. سوم بازگشت اسلام در



زندگی سیاسی مسلمانان (همان، ص ۵۰). درحقیقت مسلمانان پس از سرخوردگی از ایدئولوژی‌های متعدد ماتریالیستی اکنون نگاهشان به تئوری حکومتی موفق امام خمینی است و رمز موفقیت حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین را آرمان‌های انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی می‌دانند. بدین لحاظ اکنون در حرکت بیداری اسلامی، اقبال به آرمان‌های شیعی و اهل‌بیت علیهم‌السلام بسیار گسترده شده است که در طول تاریخ سابقه نداشته است. این موضوع از چشم سیاستمداران و استراتژیست‌های غربی مخفی نمانده است؛ لذا در کنار واژه اسلام‌هراسی، واژه شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی را اضافه نموده‌اند تا مانع انسجام اسلامی دولت‌ها و ملت‌های مسلمان در منطقه حساس خاورمیانه شوند. درواقع روح حمله بروس لینکن به ایران (نیویورک تایمز، شماره ۲۷ ژانویه ۱۹۸۱) در دو نکته خلاصه می‌شود: ۱) روح ایرانی مساوی با خودخواهی؛ ۲) اسلام شیعی مساوی با خردستیزی است (همان، ص ۶۸). بدین لحاظ هدف محوری رسانه‌ها و هجوم تبلیغات گسترده آنها، ایجاد شکاف سیاسی بین ملت‌ها و دولت‌های منطقه و انزوای سیاسی دولت شیعی ایران است تا کنش و ارزش‌های سیاسی شیعی در منطقه و جهان اسلام صادر نشود و به جای آن نزاع و جنگ شیعه و سنی گسترش یابد؛ چون به اعتقاد دانیل (نشریه آتلانتا کنستیتوشن - ۲۰ نوامبر ۱۹۸۰) هر کجا شیعه است، آنجا دردسر برای تمدن غرب است (همان، ص ۱۵۵).

خلاصه اینکه با ورود انقلاب اسلامی ایران در صحنه روابط بین‌الملل، سبک جدیدی از زندگی سیاسی وارد معادلات بین‌الملل شد که با هیچ کدام از ارزش‌های دو انقلاب مادر و بزرگ دیگر [فرانسه (لیبرالی) و روسیه (مارکسیستی)] همخوانی و شباهت ندارد؛ لذا دولت شیعی آنتی‌تز لیبرال دموکراسی فرض شد و در پی آن، توهم شیعه‌هراسی ایجاد و در کانون حملات نرم، قرار گرفت.

ب) عامل فرهنگی (بازگشت به آرمان‌های اسلامی)

بُعد فرهنگی و اعتقادی آن مربوط به بیداری اسلامی و احیای مجدد تمدن اسلامی می‌شود. به اعتراف اکثر محققان، اسلام سیاسی، بعد از پیروزی انقلاب شیعی ایران، شتاب مضاعف پیدا کرده است (صحفی، ۱۳۸۰، ص ۷۱-۷۲). درواقع تفکر شیعی با انسجام



ساختاری در ایران، مدل عملی برای مبارزات و نهضت‌های احیاگرانه اسلامی در تاریخ معاصر شده است (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲-۱۱۳)؛ اما آنچه نظام سلطه را وادار به واکنش منفی در برابر بیداری تمدن اسلامی نموده است، صبغه ضد استبدادی، استعماری و ندای وحدت جهان اسلام در برابر اندیشه استکباری بوده است که ایدئولوگ مهم آن در چند دهه اخیر، امام خمینی رحمه‌الله بوده است. بدین لحاظ به قول فرانسوا توال نویسنده کتاب ژئوپلیتیک شیعه با ظهور خیزش شیعی، اندیشه لیبرال دموکراسی، رقیب فرهنگی و ایدئوپولیتیکی خود را در میدان مبارزه می‌یابد. در نتیجه استراتژیست‌های غربی برای کنترل تفکر انقلابی امام خمینی رحمه‌الله، پروژه‌های جدیدی را طراحی نموده‌اند. ایجاد جنگ نرم و روانی هلال شیعی در برابر قوس سنی یکی از همین حربه‌های جنگ روانی است که اولین بار توسط تونی بلر^۱ مطرح شد و متأسفانه توسط برخی از رهبران منطقه مثل ملک عبدالله، پادشاه اردن و حسنی مبارک رئیس جمهور مصر دامن زده شد. از دیدگاه ملک عبدالله، هلال شیعی از ایران آغاز شده،، عراق و سوریه را در بر می‌گیرد و با حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین پایان می‌یابد که متأثر از فرهنگ و اندیشه شیعی و در تعارض با اندیشه سنی می‌باشند.

هراس از توسعه اندیشه عدالت‌خواهانه شیعه و آرمان‌های وحدت‌بخش امام خمینی رحمه‌الله از یک طرف و شیطنت دولت‌مردان غربی در تحریف آرمان‌های مسالمت‌جویانه شیعه و بزرگ‌نمایی موقعیت ژئوپلیتیک شیعیان خاورمیانه، موجب موضع‌گیری ناپخته برخی مرتجعان در منطقه حساس خاورمیانه شده است که ادامه آن موجب تشدید اختلافات شیعه و سنی و تضعیف جریان بیداری اسلامی خواهد شد.

درحقیقت بعد از دهه ۹۰ میلادی، غرب با برجسته‌نمودن تئوری جنگ تمدن‌های هائینگتون، صحنه مبارزات بین‌المللی را از نزاع کشوری و ژئوپلیتیکی به نزاع تمدنی - فرهنگی و ژئوپلیتیک فرهنگی و اعتقادی سوق داده است که نقطه آغاز عملیاتی شدن این تئوری، یازده سپتامبر می‌باشد. به‌طورعام این نزاع، تقابل تمدن اسلامی در برابر تمدن لیبرالیسم است؛ اما به‌طورخاص، محور و کانون تمدن اسلامی، هویت شیعی است؛ لذا

۱- نخست وزیر وقت انگلیس در دیدار ماه جولای ۲۰۰۶ خود از ایالت کالیفرنیا.

دولتمردان آمریکا همواره از ایران به عنوان محور شرارت نام می‌برند؛ چنان‌که بوش محور شرارت را بارها به ایران نسبت داده است. البته اندیشمندان آمریکا نگرانی استراتژیکی خود را در مورد بیداری جهان اسلام با عنوان «بنیادگرایی اسلامی» مورد بررسی قرار می‌دهند که در جای خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد. آنان مقاومت اسلامی را که از سیدجمال، منادی وحدت استراتژیک اسلامی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی، شروع شد، سپس این آرمان توسط اخوان المسلمین و سید قطب در مصر و مودودی در پاکستان و نهایتاً حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین دنبال شد، مهم‌ترین پدیده فرهنگی علیه ارزش‌های غربی تلقی می‌کنند (برنا بلداجی، ۱۳۸۵، ص ۴)؛ لذا ریچارد نیکسون یکی از مهم‌ترین سیاستمداران آمریکا می‌گوید: «جهان اسلام در قرن ۲۱ مهم‌ترین میدان زورآزمایی سیاست آمریکا است» (همان، ص ۵).

درواقع از منظر فرهنگی آنچه نگرانی آمریکا و غرب را مضاعف نموده است، پیوند معنوی اندیشه‌های سیاسی- فرهنگی امام خمینی علیه السلام با انقلابیون مسلمان منطقه خاورمیانه است. به‌طور مشخص راهکار آمریکا در برابر توهم هلال شیعی که خود طرح نمود، هلال دموکراسی هدایت‌شده در منطقه خاورمیانه است؛ اما خوشبختانه این دموکراسی کنترل‌شده حداقل در عراق نتیجه معکوس داده و یک بار دیگر اندیشه ناب اسلام سیاسی را در عراق ساختارمند نموده است.

لکن نزاع تمدنی و فرهنگی مهم‌ترین فرصتی است که قدرت‌های سلطه‌گر ناخواسته در اختیار مسلمانان قرار داده‌اند که با شناخت ابعاد مختلف آن می‌توان در رنسانس اسلامی بهره گرفت. درواقع طرح مسئله ژئوپلیتیک شیعه و شیعه‌هراسی برای ایجاد نزاع فرقه‌ای و جلوگیری از رشد فزاینده اسلام انقلابی و سیاسی در منطقه ژئواستراتژیک است؛ چراکه احیای اسلام سیاسی که در تعارض جدی با منافع اقتصادی و استعماری سرمایه‌داری غرب است، نهایتاً موجب زوال اندیشه لیبرال دموکراسی است. این مطلب را آقای ریچارد فالك یکی از سرشناس‌ترین پژوهشگران خاورمیانه‌ای ایالات متحده با ناامیدی این چنین اعتراف می‌کند: خاورمیانه با ناامیدی به حیات خود ادامه می‌داد؛ زیرا هیچ يك از رهبران آن به

حقارت شکل گرفته در ذهن و روحیه مردم توجهی نداشته است. آنان به دنبال نقطه امیدی می‌گشتند که حداقل حرف دل آنها را بر زبان جاری ساخته، عقده‌های متراکم‌شده را آزاد نماید. آیت‌الله خمینی چنین جسارتی را به آنان خواهد داد و مردم خاورمیانه را برای دستیابی به آرزوهایشان کمک خواهد کرد. خمینی مرد پرفروغ منطقه خواهد بود؛ چون آنان را برای آزادی و غرور کمک خواهد کرد (مقی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۹).

چنین برداشتی در همان اوایل انقلاب اسلامی، بیانگر ورود گفتمانی جدید با هویت فعال در جهان است که نه تنها جنبه انتقادی نسبت به وضعیت موجود دارد، بلکه مدل حکومتی جدید برای ایجاد سبک زندگی فرهنگی جدید (کنش ارتباطی عادلانه دین‌مدارانه) در برابر زندگی فرهنگی (کنش ارتباطی زر و زورمندانه) است.

ج) عامل ژئوپلیتیکی (موقعیت استراتژیکی شیعیان)

سومین نکته قابل تأمل در بزرگ‌نمایی احیای هویت شیعی به عنوان خطر بالفعل در برابر هویت سنی، به موقعیت جغرافیایی و سرزمینی شیعیان معطوف است. اما قبل از هر چیز، یک نکته بسیار مهم در مباحث ژئوپلیتیک، مفهوم آن در محافل علمی و سیاسی غرب است. این مفهوم ابتدا توسط کیلن سپس توسط مکیندر، ماهان، هوفر و اسپایکمن تداوم یافت. معنای آن به یک مفهوم کلیدی و محوری خلاصه می‌شود که «جای من کم و تنگ است»؛ یعنی فضای حیاتی و جغرافیای ما محدود است. به عبارت دیگر از منظر ژئوپلیتسین‌ها کشور همانند موجود زنده رشد می‌کند و لازمه رشد، کسب فضای جغرافیای جدید است که اگر کسب نکند، از توسعه و رشد باز می‌ماند. این تلقی از ژئوپلیتیک ماهیتاً مترادف با اندیشه امپریالیستی و توسعه‌طلبی است (مقی، ۱۳۸۸) که متأسفانه در قرن بیستم منجر به دو جنگ جهانی و هلاکت بیش از شصت میلیون انسان شده است.

این تفسیر بسیار خطرناک از ژئوپلیتیک با مفهوم سیاست که امروزه تحت عنوان کسب و حفظ قدرت مطرح است، کاملاً همخوانی دارد؛ لذا غرب ژئوپلیتیک شیعه را با همین تلقی و تفسیر دنبال می‌کند؛ اما حقیقت مطلب آن است که تعریف سیاست در اندیشه امام خمینی علیه السلام و آرمان‌های بیداری شیعی ایران، معطوف به هدایت و تقواست که به دنبال



سعادت و صدور فضایل اخلاقی است نه توسعه جغرافیایی و قدرت سیاسی (مقیمی، ۱۳۹۰، ص ۲۱). بدین لحاظ جهان اسلام نیازمند هوشیاری مضاعف است تا با شناخت واقعی مسائل سیاسی و اعتقادی خویش در دامان القائنات سیاست‌های «اسلام رسانه‌ای غربی» نیفتند؛ چراکه تاریخ چهارصدساله اخیر استعمار نشان داده است که اندیشه شرق‌شناسانه آنان به دنبال منابع غنی و ارزان خاورمیانه است و حربه شیعه‌هراسی در قالب‌ها و شکل‌های متفاوت تنها برای انحراف اذهان و تضعیف قدرت مسلمانان است؛ لذا کیسینجر اخیراً در مصاحبه با اشپگل وقتی خبرنگار سؤال می‌کند چرا غرب در برقراری دموکراسی و حقوق بشر برای کشورهای عربستان، مصر و اردن تلاش نمی‌کند، جواب می‌دهد که شما نمی‌توانید همزمان در سرنگونی دولت‌های سعودی، مصر و اردن به نام دموکراسی و جنگ علیه اسلام با دولت‌های رادیکالی اسلامی تلاش کنید. فرایند صدور دموکراسی و جنگ علیه خیزش اسلامی دو ساختار متفاوت زمانی می‌طلبد (سایت مطالعات شیعه‌شناسی، ۸۷/۱/۱۹). عبارت کیسینجر کاملاً واضح است که برای غرب نفس ارزش‌های اسلام اصیل و تحریف‌نشده مطرح است؛ منتها الآن به لحاظ زمانی، اسلام انقلابی شیعی - به تعبیر متوهمانه وی افراطی - در اولویت است.

بعد از توضیح نکته فوق، به دیدگاه‌های فرانسوا توال در کتاب معروفش به نام ژئوپولیتیک شیعه می‌پردازیم. این کتاب که با انگیزه سیاسی القای شیعه‌هراسی و بزرگ‌نمایی اختلافات و شکاف‌های دینی و مذهبی جهان اسلام تدوین شده است، سعی می‌کند خطر تشیع را به مسئولان سیاسی و خبرنگاران غربی گوشزد و آنها را به چاره‌جویی وادار کند؛ لذا از صفحات ۱۵ به بعد تصریح می‌کند که: «اخبار روز نشان می‌دهد که شیعه علی‌رغم خواست‌ها، شکنجه‌ها و جنگ‌ها، نه ضعیف شده و نه مضمحل؛ بنابراین تسلط بر خاورمیانه معلول تسلط بر شیعیان است» (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۲۴). از منظر نویسنده کتاب، خطر شیعه از دو منظر حائز اهمیت است؛ اول اعتقاد به عدالت‌گستری، ظلم‌ستیزی، شهادت، عاشورا و انتظار حکومت عدالت‌گستر مهدی موعود علیه السلام که مرادف با اعتراض از وضعیت نظام غیرعادلانه موجود و دیگری موقعیت جغرافیایی شیعیان است (توال، ۱۳۷۹، ص ۱۴۳).



به زعم فرانسوا توال شیعیان در مهم‌ترین نقاط استراتژیکی خاورمیانه استقرار دارند؛ چون ایران که در میانه خلیج فارس و دریای خزر (۶۸ درصد نفت دنیا در این منطقه است)، جنوب عراق و کرکوک که مهم‌ترین منطقه عراق به لحاظ انرژی است، میدان‌های نفتی استان شرقیه عربستان که ۷۰ درصد کارکنان شاغل آن شیعه هستند، یک چهارم جمعیت ترکیه، ۲۵ میلیون نفر از جمعیت هند، ۳۵ میلیون نفر از جمعیت پاکستان، بیش از ۷۰ درصد جمعیت کرانه خلیج فارس، ۷۵ درصد جمهوری آذربایجان، ۶۷ درصد مردم بحرین شیعه هستند. در مجموع شیعیان به لحاظ جغرافیایی در حساس‌ترین منطقه انرژی دنیا سکونت دارند. وی تأکید می‌کند مهم‌ترین نقطه ضعف و چالش شیعیان، اول موضوع شیعه و سنی و دوم اختلاف میان فرقه‌های مختلف شیعی است. ایشان در نهایت راهکار تشدید این اختلافات را به نخبگان سیاسی غرب توصیه می‌نماید (همان، ص ۱۴۱)؛ لذا است که نظریه شیعه‌هراسی در راستای موقعیت ژئوپلیتیکی شیعی قابل ردیابی است.

خلاصه اینکه عوامل و زمینه‌های توهم شیعه‌هراسی را باید در راستای پروژه بزرگ‌تر آن، یعنی اسلام‌هراسی و قدرت نرم اسلام سیاسی مورد تأمل قرار داد. اما اینکه چرا مسئله «شیعه‌هراسی» در سال‌های اخیر دنبال شده ولی خبری از «سنی‌هراسی» در رسانه‌ها نیست، موضوع قابل تأمل بوده، در جای خود نیازمند بررسی و تحقیق است. ولی آنچه مربوط به بحث شیعه‌هراسی ما می‌شود، این نکته مهم است که به لحاظ تبارشناسی و علت‌شناسی، این موضوع از یک معادله پنج‌مجهولی (انرژی، ظرفیت‌های سیاسی، پتانسیل فرهنگی شیعه، بیداری اسلامی و نیز موقعیت جغرافیای سیاسی شیعیان) پیروی می‌کند. بدون تردید بررسی تصویری و تفکیکی آنها گمراه‌کننده و مناقشه‌آمیز است؛ ولی ترکیب آنها می‌تواند موضوع «شیعه‌هراسی» را تا حد زیادی روشن کند.

۴) اهداف پروژه شیعه‌هراسی

بدین لحاظ توهم شیعه‌هراسی که عمدتاً غربی‌ها در چند سال اخیر به آن دامن زده‌اند، چند هدف را دنبال می‌کند:

الف) شناسایی قدرت نرم و پیام سیاسی تفکر شیعی و شناسایی پتانسیل ضد استکباری و ضد ظلم آن به منظور کنترل رشد و انتشار حکومت اسلامی مشابه در منطقه خاورمیانه.

ب) مطالعه جغرافیایی و منطقه‌ای شیعیان و احتمال اتحاد آنها با هم و برادران اهل تسنن که می‌تواند کمر بند مقاومت علیه زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های سلطه‌گر باشد.

ج) ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی به منظور تضعیف بیداری اسلام سیاسی و تمدنی با هدف جلوگیری از تشکیل آنتی‌تز هژمونی سرمایه‌داری.

د) تحریف آرمان‌های فرهنگی و سیاسی شیعی با ایجاد هراس به منظور خنثی کردن بازخیزی و هویت عدالت‌خواهی علیه نظام سرمایه‌داری و مدعیان لیبرال دموکراسی.

ه) جلوگیری از شکل‌گیری ترتیبات امنیتی بومی و پایدار بین کشورهای اسلامی منطقه. بنابراین آنان وقتی از شیعه سخن می‌گویند، مرادشان نه تنها شیعیان امامیه، بلکه منظور جریانی مذهبی است که در یک امتداد جغرافیایی بخش‌های وسیعی از هند، پاکستان، تمام ایران، اکثریت عراق، بحرین، آذربایجان، شرق عربستان، قسمت مهمی از ترکیه، لبنان، سوریه و آفریقا و... حضور دارند؛ لذا شیعیان- به زعم و توهم آنان- دوازده‌امامی در کنار گروه‌های اسماعیلیه، زیدیه، علویان سوریه و بکتاشیه ترکیه فضای جغرافیایی و فرهنگی‌ای را ایجاد می‌کند که در نهایت یک هویت مذهبی واحد را موجب خواهد شد. خصوصاً تحركات زیاد شیعیان هند و پاکستان و تحولات داخل عراق، بحرین و یمن و نیز پیروزی مقاومت شیعی لبنان، غرب را با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فراوان شیعه آشنا کرده است؛ لذا سیاست‌مداران غربی با تحریک برخی سیاست‌مداران عربی و سلفیان افراطی منطقه برای تضعیف وحدت جهان اسلام و ایجاد اختلاف بین فرقه‌های مختلف اسلامی تلاش می‌کنند (غلامی، ۱۳۸۶/۴/۴، سایت خبرگزاری فارس). همان‌طور که امروز نمونه بارز آن را در فشارهای زیاد حکومت عربستان بر شیعیان یمن و بحرین و نیز تلاش عربستان در تغییر بافت شیعه در جنوب عربستان مشاهده می‌کنیم.

در حالی که جمعیت ۴۶ درصدی شیعیان یمن از تمامی حقوق سیاسی و اجتماعی محروم‌اند، وزیر دفاع یمن در سال گذشته فتوایی منتشر نمود که به سنی‌مذهبان گفته شده

است علیه شیعیان شمال یمن اقدام نظامی کنند؛ نیز ۲۲ مفتی وهابی عربستان در آخرین اعلامیه خود اعلام نمودند همان‌گونه که حزب الله لبنان و دیگر پیروان آنها در عراق می- خواهند بر سرزمین‌های سنی نشین سیطره یابند، شیعیان یمنی نیز می‌خواهند بر کشور یمن سیطره داشته باشند؛ بنابراین باید با آنها مقابله کرد (سایت خبری تابناک، ۸۷/۳/۱۹).

اگرچه البته این فتواها به لحاظ زمانی و محتوایی تازگی ندارند، تشدید آنها در یکی دو سال اخیر نشان‌دهنده عدم درک شرایط سیاسی بین‌المللی از سوی مفتی‌های عربستان و حرکت کردن در چارچوب سیاست‌های تفرقه‌افکنانه صاحبان زر و زور و تزویر به منظور مصادره خیزش اسلامی است.

۵. راهکارهای مقابله با توهم شیعه‌هراسی

چنان‌که اشاره شد، توهم شیعه‌هراسی حاصل اسلام رسانه‌ای تحریف‌شده است که قدرت‌های سیاسی در پی اغراض سیاسی به دنبال مصادره بیداری اسلامی - تمدنی از طریق ایجاد شکاف بین نیروهای اصیل خیزش اسلامی می‌باشند. با نگاهی اجمالی به آرمان‌ها و آموزه‌های شیعی در خواهیم یافت که پدیده شیعه‌هراسی توهمی بیش نیست؛ چون با مبانی شیعه و اصول بنیادین انقلاب شیعی ایران و نیز آرمان‌های معمار کبیر آن منافات دارد. بدین لحاظ مهم‌ترین راهکار مقابله با توهم شیعه‌هراسی بازخوانی و معرفی ارزش‌های اصیل اسلام است. در ادامه به برخی راهکارهای مهم، جهت توهم‌زدایی از «شیعه‌هراسی» اشاره کرده، به‌نحو اجمال آنها را توضیح می‌دهیم.

الف) آگاهی و بصیرت سیاسی

نقطه عزیمت مقابله با توهم شیعه‌هراسی، کسب دانش، آگاهی و بصیرت سیاسی از محیط‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. بصیرت به معنای بینایی، دانایی، هوشیاری و زیرکی است. خودآگاهی سیاسی و بصیرت سیاسی به معنای فهم معادلات قدرت و رقابت‌های سیاسی معطوف به عرصه منطقه‌ای و نظام بین‌المللی است؛ به‌نحوی که جوامع اسلامی جایگاه خود را در مبادلات و معادلات قدرت بین‌المللی بیابند. تنها در این صورت



است که می‌توانند با موضع‌گیری خردمندانه در راستای منافع خویش گام برداشته، در برابر پروژه شیعه‌هراسی دچار موضع‌گیری منفعلانه نشوند. البته بصیرت و شعور سیاسی نیازمند آموزش سیاسی به منظور ارتقای رشد فرهنگ سیاسی و عقلانیت ارتباطی به جای رفتار متعصبانه و کنش احساسی است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری به‌درستی به اهمیت بصیرت سیاسی اشاره کرده، در ایامی که حق و باطل با هم ترکیب شده و فضای توهم و فتنه انگیزی را ایجاد نموده است، تنها راهکار برون‌رفت از آن را بصیرت سیاسی و آن را قطب‌نمای سیاسی در اوضاع پیچیده سیاسی دانست (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۱۵).

ازاین‌رو به علت پیچیدگی معادلات سیاسی، وظیفه نخبگان و روشنفکران متعهد و مسلمان مضاعف می‌شود. امام خمینی به نقش حساس علمای بیدار اسلام در ایام حج چنین بیان داشتند: «لازم است که متعهدان و بیداران و دلسوزان برای غربت اسلام... با قلم و بیان و گفتار و نوشتار به کوشش برخیزند. خصوصاً در ایام مراسم حج که پس از این مراسم عظیم، انسان‌ها می‌توانند در شهر و دیار خود با توجه به این بعد عظیم، مسلمانان و مظلومان جهان را بیدار کنند» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۹، ص ۴۳). «علمای اعلام و خطبای معظم، مسلمانان را به جهات سیاسی و وظایف بسیار خطریشان آگاه سازند» (همان، ج ۱۵، ص ۱۲۳).

بدین لحاظ می‌توان گفت اولین قدم برای مقابله با دسیسه‌های بدخواهان زندگی مسالمت‌آمیز و روابط متعقلانه و عادلانه، گفت‌وگو و تعامل تمدنی و فرهنگی است. بی‌شک اگر پارادایم کنش ارتباطی فرهنگی، فرهنگ‌سازی شود، دیگر جایی برای پروژه شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی یا کنش ارتباطی احساسی و فیزیکی باقی نخواهد ماند.

ب) وحدت و انسجام اسلامی

راهکار دوم برای مقابله با شیعه‌هراسی مقابله از طریق ضد آن است. چنان‌که گذشت، پروژه شیعه‌هراسی در پی ایجاد اختلاف بین فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی به منظور ضربه‌زدن به خیزش اسلامی است؛ ازاین‌رو برای مقابله با آن باید به آنتی‌تز آن برگشت کنیم. ضد و آنتی‌تز اختلاف، اتحاد و انسجام اسلامی است. درواقع نقطه عزیمت آگاهی سیاسی مطلوب با توجه به پیشینه بیداری اسلامی - تمدنی، محتاج فهم جایگاه جهان اسلام به

عنوان یک امت واحد در معادلات قدرت بین‌المللی است که لازمه آن، شکل‌گیری انسجام اسلامی در قالب اتحاد اسلامی معطوف به قبول استقلال، تمامیت ارضی، احترام متقابل به حاکمیت و حکومت‌های ملی در چارچوب فدراسیون کشورهای اسلامی است (مطهرنیا، ۱۳۸۴، ص ۲۸۰).

بی‌تردید اگر توهم شیعه‌هراسی با تعصبات کور گروه‌های افراطی و سلفی گره بخورد، موجب مرزبندی سخت‌افزارانه نیروهای انسانی مسلمانان خواهد شد. به جای انسجام و همبستگی مذهبی، بیداری و خیزش اسلامی - تمدنی را از درون دچار چالش می‌کند. البته موضوع انسجام اسلامی را باید به عنوان وحدت استراتژیکی و راهبردی ملاحظه کرد نه وحدت تاکتیکی و سیاسی؛ چنان‌که باید قبول کرد انسجام به معنای حذف تنوع مذهبی نیست، بلکه به معنای همگرایی مذاهب مختلف اسلامی - در چارچوب اصول مشترک - در عین وجود اختلافات مذهبی است؛ چنان‌که در فرهنگ لغت واژه انسجام در برابر واگرایی به معنای همبستگی، همراهی، هم‌آهنگی و وفاق (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۲۰۸۴) آمده است. بدین لحاظ نخستین گام در انسجام اسلامی، پذیرش و به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع افکار و مذاهب است؛ کما اینکه امام خمینی اظهار می‌نماید: «سنی و شیعه در عقاید، در بسیاری از عقاید، مختلف‌اند... آزادند... عقاید مختلف اسباب اختلافات خارجی چرا بشود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۳۳)؛ بنابراین وحدت ایدئولوژیکی و مذهبی، وحدت آرمانی است که در سطح مذاهب اسلامی، نه عملی و نه مطابق با سیره علوی است. آنچه مطلوب و شدنی است، وحدت استراتژیکی به مثابه یک راهکار راهبردی برای مقابله با دسیسه‌ها و توهم شیعه‌هراسی است؛ امام خمینی بیان می‌دارد که: «آنهايي که می‌خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند، نه سنی هستند و نه شیعه... اینها نیست جز اینکه قدرت‌های بزرگ فهمیدند آن چیزی که آنان را عقب زده است، وحدت مسلمین و برادری بین همه امت اسلامی است» (امام خمینی، تبیان دفتر ۱۵، ص ۲۱۷).

بدین لحاظ به همان نسبت که پویایی بیداری تمدنی منوط به بصیرت سیاسی و انسجام اسلامی است مقابله با آفات و آسیب‌های آن نیز وابسته به آگاهی و اتحاد اسلامی است؛



البته به‌طور قطع انسجام اسلامی در وهله اول باید از مراکز علمی اسلامی و نخبگان بیدار مسلمان آغاز شود. بی شک امروز همان گونه که در سطح جهان تشیع نیازمند افرادی همانند امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای هستیم، در سطح جهان اهل تسنن نیز نیازمند افرادی همانند شیخ محمد شلتوت (کسی که در سال ۱۳۳۸ به عنوان شیخ الازهر فتوا صادر و مذهب شیعه را به عنوان یکی از مذاهب اسلامی به رسمیت شناخت) که موجب همگرایی شیعیان و سایر مذاهب شد، هستیم.

البته در قضیه اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی، تقصیر مسلمانان کم نیست؛ چون نخبگان مسلمان، اسلام را خوب و کما حقہ معرفی نکرده‌اند، و الا الآن زمینه بسیاری از توهّمات و شبّهات منتفی یا دست کم از شدت آن کاسته می‌شد. امروز اگر معارف ناب اهل بیت که سراسر آن عقلانیت، تشویق به گفت‌وگوی علمی نقادانه، فقه استدلالی و زندگی مسالمت‌آمیز است، به‌خوبی معرفی می‌شد، به‌طور قطع تشنگان زلال معارف بشری را سیراب می‌کرد. بدین لحاظ امروز ایجاد زبان مفاهمه‌ای و گفت‌وگوی مذهبی به منظور تقریب مذاهب، مهم‌ترین راهکار برای مقابله با پروژه شیعه‌هراسی و ایجاد وفاق مسالمت‌آمیز است.

ج) تعامل تمدن‌ها (اسلام دین همزیستی نه برخورد)

روی دوم سکه پروژه شیعه‌هراسی، مرتبط با تحولات بین‌المللی و فروپاشی شوروی می‌شود. درواقع طرح موضوع شیعه‌هراسی در ادامه موضوع اسلام‌هراسی قرار دارد که در راستای ایجاد و القای دشمن فرضی لیبرالیسم - به جای کمونیسم - طرح شده است تا بلوک‌بندی جدید را در سطح سلطه جهانی سامان دهد. بدین لحاظ پروژه شیعه‌هراسی دو هدف مهم را - در سطح داخل جهان اسلام به دنبال تقویت مناقشات فرقه‌ای و در سطح بین‌المللی به دنبال ایجاد دشمن فرضی لیبرالیسم و معرفی اسلام به عنوان دین خشونت - به موازات هم دنبال می‌کند.

اما آنچه در اینجا اهمیت دارد، این است که اسلام‌هراسی و به دنبال آن شیعه‌هراسی در ادامه و چارچوب نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون (استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد)



و نیز ژاک شاهین (مشاور خاورمیانه‌ای شبکه سی بی اس) در کتاب اعراب آنچنان که تلویزیون نشان می‌دهد طرح شده است که بازتاب جهانی آن بسیار گسترده بوده است. پرسش اصلی این است که این نظریه تا چه اندازه مطابق واقع است؟ آموزه‌های اسلامی و شیعی در این باره چیست؟ با نگاهی اجمالی به مبانی و آموزه‌های اسلامی در خواهیم یافت که نظریه جنگ تمدن‌ها، اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی توهمی بیش نیست. در ذیل به برخی آیات قرآن اشاره می‌کنیم تا نشان دهیم که بر خلاف دیدگاه برخی، اسلام خواهان برخورد و رفتار خشونت‌آمیز با غرب نیست.

قبل از بیان آموزه‌های قرآنی و اندیشه رحمانی دین اسلام، باید یادآور شد که در غرب به‌جز گرایش بر خورد تمدنی و نزاع گفتمانی، گرایش تفاهم و گفت‌وگوی تمدنی نیز وجود دارد که در جای خود می‌توان از آن به عنوان یک زمینه مؤثر در مقابله با توهّم شیعه‌هراسی به آن توجه کرد؛ برای مثال موضع‌گیری منصفانه واتیکان در سال ۱۹۶۹ در کتاب راهنمای گفت‌وگو میان مسلمانان و مسیحیان نمونه خوبی است. واتیکان در این کتاب مسیحیان را تشویق به شناخت اسلام نموده و به ستم‌ها و ظلم‌هایی که به مسلمانان روا داشته شده، اعتراف کرده است (الاسد، ۱۹۹۷، ص ۷۷). نمونه دیگر موضع‌گیری شاهزاده چارلز (ولیعهد انگلستان) است که در مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه آکسفورد طی سخنرانی‌ای تحت عنوان اسلام و غرب گفته است: «سوء تفاهم میان اسلام و غرب همچنان ادامه دارد و تشدید هم می‌شود... ولی آنچه دو جهان ما را به هم پیوند، می‌دهد بسی نیرومندتر از عوامل جدایی‌افکن است» (همان، ص ۷۸) یا دانشمند آلمانی آقای «هانی کونگ» اظهار می‌دارد که بدون گفت‌وگوی ادیان، صلحی نخواهد بود» (عزیزی، ص ۱۹۵) یا اندیشمند و نویسنده فرانسوی آقای «آندره مالرو» دین را سرچشمه و الهام‌بخش فرهنگ و گفت‌وگو توصیف می‌کند (همان).

۱. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله کن» (نحل: ۱۲۵). تعامل و گفت‌وگویی که قرآن کریم با غیرمسلمان از آن یاد می-

کند، از چندین منظر جای تأمل و بررسی دارد:

اولاً عدم اجبار و خشونت در تعامل با غیرمسلمان است، بلکه دستور بر تعامل و مجادله نیکوتر را دارد؛ یعنی مسلمان در تعامل با آنان بین خوب و خوب‌تر، باید روش خوب‌تر را برگزیند.

ثانیاً آیه شریفه برای کیفیت تعامل و گفت‌وگو بر متدلوژی حکمت و موعظه تأکید دارد؛ یعنی اساس کار را حکمت و استدلال حکیمانه و در عین حال هدایت‌گرانه قرار می‌دهد. چون اساساً در پذیرش اسلام اجباری (لا اکراه فی الدین) (بقره: ۲۵۶) نیست.

ثالثاً روح کلی آیه حاکی از فراخوان اسلام به همزیستی مسالمت‌آمیز است؛ چون دعوت به کنش تعاملی فرهنگی و علمی نیکوترین تعامل تمدن است.

۲. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْتَنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ: و اگر به صلح گراییدند تو نیز بدان گرای و برخدا توکل کن» (انفال: ۶۱). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً: ای کسانی که ایمان آوردید، همگی به اطاعت خدا درآیید» (بقره: ۲۰۸).

دسته دوم آیاتی هستند که مسلمانان و غیرمسلمانان را دعوت به صلح می‌کنند. اسلام با این فراخوان عمومی، صلح، امنیت و همزیستی مسالمت‌آمیز را شالوده و اساس تعامل و روابط داخلی و بین‌المللی قرار داده است. بر همین اساس اسلام خشونت، دشمنی و جنگ را جز به هنگام اضطراب و ضرورت تجویز نمی‌کند و لذا می‌فرماید: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ: همانا خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانند» (ممتحنه: ۹).

بدین لحاظ سلاح اولیه و مبنایی اسلام در تعامل با ملل، اقوام و تمدن‌ها، تضارب علمی و گفت‌وگوی فرهنگی و روابط صلح‌جویانه است. تنها زمانی که طرف مقابل دست به خشونت زد و اصول انصاف و عدالت را زیر پا گذاشت در اینجا اسلام اجازه دفاع از خود-نه جنگ- را داده است؛ چون اسلام دین رحمت، کرامت انسانی، یکتاپرستی، عدالت و روابط دوستانه و حکیمانه است. قطعاً چنین دینی در روابط انسانی بیشتر از هر چیزی، مشوق سعه صدر و همجوشی و همدلی است که زمینه هرگونه خشونت و نزاع و برخورد تمدنی را از بین می‌برد.



۳. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا: ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را شناسایی متقابل کنید» (حجرات: ۱۳).

دسته سوم از آیات و آموزه‌های اسلامی، معطوف به این اصل فطری و طبیعی است که سنت الهی بر تفاوت و تنوع ملل و انسان‌ها قرار گرفته است و این تفاوت رسوم و تمدنی از منظر قرآن برای تعارف (لتعارفوا) است. از منظر آموزه‌های اسلامی، گوناگونی ملل و قبایل به معنای گسست و نزاع و کنش سلطه‌آمیز نیست، بلکه به معنای تعامل تمدنی به منظور ارتقای سطح دانش و انتخاب اندیشه برتر و عملی‌تر است.

بدیهی است در جهانی که گوناگونی طوایف و ملل، طبیعی و ذاتی است، اگر اساس و بنیان رابطه آن مبتنی بر تعامل علمی و آشنایی بیشتر از تجارب و آموزه‌های فرهنگی و تمدنی نباشد، موجب برداشت‌های غیرعلمی، مبهم و نادرست می‌شود که نتیجه آن، چیزی جز نفرت، کینه، تعصب بی‌اساس، دشمنی و برخورد خصمانه نخواهد بود؛ لذا قرآن می‌خواهد بشر از روابط تنگ‌نظرانه منافع ملی، قومی، نژادی، زبانی و نسبی فراتر برود و اساس تعامل و روابط با ملل را بر پایه کنش ارتباطی فرهنگی، ارزشی، اخلاقی و احترام متقابل سامان دهد.

۴. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ: بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم» (آل عمران: ۶۴).

دسته چهارم آیات و آموزه‌هایی هستند که بر مشترکات ادیان و مذاهب مختلف تأکید دارند. درواقع شرط اساسی برای تحقق تعامل به جای تعارض، به رسمیت شناختن دیگری و عدم تحقیر به منظور حذف و نفی اوست. قرآن کریم برای تحقق این شرط مهم، توجه به اصول و مبانی مشترک را متذکر می‌شود که مبنایی‌ترین آن، اصل توحید است. از منظر قرآن اصل توحید، نقطه وصل و جوش فرهنگی و تمدنی است که می‌تواند تمامی کثرات حاکم بر عرصه جامعه‌شناختی ملل و اقوام را به وحدت برساند. بدین لحاظ به نظر می‌رسد راهکار قرآن برای همزیستی مسالمت‌آمیز، اصل وحدت در عین پذیرش کثرت فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست.

با پذیرش این اصل، نگاه ملل و فرهنگ‌ها نسبت به همدیگر مالا مال نگاهی خوش‌بینانه، محبت‌آمیز، مدنی، عقلانی، انتقادی سازنده و مسالمت‌آمیز خواهد شد.

ج) دیپلماسی فعال (اعتمادسازی)

شرط تحقق و گسترش هرگونه همکاری منطقه‌ای بر اساس پیمان‌های دفاعی درون منطقه‌ای منوط به اعتماد متقابل و کاهش واگرایی فرقه‌ای شیعه و سنی و نیز ایجاد اعتماد بین روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با دول خارجی است. درواقع سناریوی شیعه‌هراسی در درون خود پروژه ایران‌هراسی و منزوی‌سازی جمهوری اسلامی - به عنوان خاستگاه بیداری و خیزش تمدنی در خاورمیانه - را دنبال می‌کند؛ لذا علی عبدالله صالح بارها جمهوری اسلامی را به دخالت در ناآرامی‌های فرقه‌ای و شیعیان زیدیه یمن به رهبری حسین بدرالدین الحوثی در قیام سال ۲۰۰۴ و سال‌های بعد می‌داند یا پادشاه مراکش در ششم مارس ۲۰۰۹ (۱۳۸۷/۱۲/۱۶) به اتهام حمایت تهران از شیعیان مراکش و تلاش برای گسترش شیعه در مراکش - که ۹۹٪ آن سنی هستند - قطع رابطه با جمهوری اسلامی را اعلام می‌کند یا حسنی مبارک بارها شیعیان لبنان و حزب الله لبنان را عامل امنیتی جمهوری اسلامی در خاورمیانه معرفی می‌کند یا تجهیز و حمایت همه‌جانبه نظامی و رسانه‌ای گروه‌های تندروی منطقه‌ای، مثل عبدالمالک ریگی و سپاه صحابه که هر دوی آنان با روش‌های تروریستی و خشونت، ضمن ترور مردم مظلوم شیعه، ناخواسته شکاف مذهبی و اختلافات مذهبی را هدف محوری خود قرار دادند.

برای مقابله با فضا و جوّ بی‌اعتمادی، تلاش همه‌جانبه وزارت خارجه و همچنین کمیسیون امنیت خارجی مجلس شورای اسلامی برای اعتمادسازی، مسؤولیت سنگین‌تری دارند. تقویت گروه‌های دوستی پارلمانی، افزایش دیپلماسی پارلمان برای اعتمادسازی و همگرایی منطقه‌ای می‌تواند راهکار مناسب برای مقابله با توهم شیعه‌هراسی باشد.

۶) نتیجه‌گیری

امروز جهان اسلام در نقطه عطف تاریخی قرار گرفته است. جابجایی قرن ۲۰ و ۲۱ همزمان با گسترش بیداری اسلامی- تمدنی و جابجایی هژمونی قدرت در عرصه بین‌المللی شده است. نظام دوقطبی سرمایه‌داری و کمونیسم که چندین دهه بر اندیشه و عمل بشر سایه افکنده بود، در آستانه قرن ۲۱ فروپاشید و عملاً نظام بین‌الملل را در وضعیت گذار فروکاهید. این وضعیت که معمولاً در محافل تحلیل سیاسی به دوره فترت، گذار یا بی‌ثباتی تفسیر می‌شود، هم‌اکنون با بیداری اسلامی مقارن شده است؛ لذا نظام سرمایه‌داری غرب تمام تلاش فکری، اقتصادی، نظامی و سیاسی خود را به کار گرفت تا هرگونه تغییر و تحولات نظام بین‌الملل را کنترل و مهار کند و هرگونه جابجایی قدرت و فرهنگی که باعث تغییر وضع موجود به ضرر تداوم حاکمیت غرب بر جهان اسلام بشود، جلوگیری کند.

بدین لحاظ طرح توهم شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در امتداد توهم اسلام‌هراسی و جنگ تمدن‌هاست که به دنبال مصادره بیداری اسلامی و جلوگیری از احیای مجدد و عظمت تمدن اسلامی در منطقه خاورمیانه است. این نکته قبل از حرکت بیداری اخیر، در بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهور کومور (احمد عبدالله محمد سامبی) نیز مشهود بود. ایشان فرمودند: «دنیای اسلام با داشتن منابع غنی طبیعی، موقعیت حساس جغرافیایی، گسترش سرزمینی، جمعیت و نیروی انسانی فعال و کارشناس می‌تواند به یک قدرت تبدیل شود؛ اما قدرت‌مندان جهان با این موضوع مخالف‌اند». ایشان در ادامه ضمن اشاره به سرمایه‌گذاری کلان دشمنان برای اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی فرمودند: «متأسفانه در دنیای اسلام، برخی سیاست‌مداران، روشنفکران و علما در این دام گرفتار شده‌اند، اما همه باید بدانند راه قدرتمند شدن دنیای اسلام، اتحاد و همکاری قلبی و عملی کشورهای اسلامی است» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۸۷/۳/۲۸).

آقای فهمی هویدی در نقدی که در نشریه الشرق الاوسط منتشر نموده است، در مورد



توهم و غیرواقعی بودن شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی می‌نویسد: «تحولات جهان عرب و بازگرداندن توجه از آرمان فلسطین به سمت موضوعی ذهنی و غیرواقعی، حیرات‌آور است». از منظر هویدی جای تعجب و تأسف است که مأموریت حذف ایران، سوریه، حزب‌الله و حماس، از طرف غرب به اعراب سپرده شده است. از این زاویه است که جهان عرب با اکثریت سنی باید مانع نفوذ آرمان‌های شیعی بر خاسته از جمهوری اسلامی ایران گردد. وی تأکید می‌کند که در جلسه محرمانه‌ای در بندر عقبه اردن، مسئولان امنیتی چهار کشور عربی با حضور محمود عباس و مسئول اطلاعات داخلی اسرائیل شین بیت بر ضرورت مقابله با ایران و اعمال فشار بر حزب‌الله و حماس تأکید شده است (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۸۳-۸۴).

نویسنده و ناقد دیگر آقای عبدالباری عطوان نیز در مقاله‌ای موضوع هلال شیعی و شیعه‌هراسی را همانند فهمی تحلیل می‌کند و می‌گوید: «فریب خوردن اعراب سابقه طولانی دارد، مثلاً قیام آنها علیه امپراطوری عثمانی و کمک آنها به انگلیس در جهت پیشبرد اهداف خود که موجب تقسیم سرزمین فلسطین بین استعمار فرانسه و انگلیس گردید، از جمله نمونه‌ها در قرن بیستم بود» (همان، ص ۸۵). نمونه دیگر جنگ ایران و عراق بود که نهایتاً موجب حمله صدام به کویت - از متحدین صدام در جنگ تحمیلی علیه ایران شیعی - شد. خلاصه اینکه طرح ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و ژئوپلیتیک شیعی برای ایجاد هراس در میان ملت‌ها و دولت‌های اهل تسنن و شعله‌ور نمودن مناقشات مذهبی است تا رنسانس اسلامی ایجاد شده علیه شیوه استبدادی و استعماری و غارت منابع طبیعی و نیز عملکرد صهیونیست در فلسطین را تحت الشعاع قرار دهند.

اما جهان اسلام اعم از شیعه و سنی خوب می‌داند که افراط‌گرایی آفت جدی برای خیزش تمدن اسلامی است. امروز درایت سیاسی، اعتمادسازی، انسجام اسلامی، تحمل همدیگر و ملاحظه آموزه‌های قرآنی، مهم‌ترین راهکار برای برون‌رفت از پروژه شیعه‌هراسی و وضعیت گذار است، والا تاریخ زندگی شیعیان گواه است که برای شیعیان حرمت خون، جان، مال و ناموس امری جدی است و اتفاقاً همین نکته از نقاط قوت اندیشه سیاسی و دینی شیعیان است. بدین لحاظ از ایجاد ایران‌هراسی و طرح مسئله شیعه‌هراسی، تنها

مخالفان اسلام بهره خواهند برد؛ لذاست که از حمایت ایران تاکنون هیچ کسی آسیب ندیده است، اگرچه در طول سه دهه انقلاب اسلامی مشکلات جدی از طرف دولت مردان منطقه بر ایران تحمیل شده است.

خلاصه اینکه اتخاذ سیاست شیعه‌هراسی توسط بدخواهان در راستای ظرفیت بالای قدرت نرم آموزه‌های شیعی و نیز احتمال جایگزینی مکتب اسلام سیاسی به جای شوروی سوسیالیست (ایجاد دشمن فرضی برای لیبرالیسم) می‌باشد؛ بنابراین متغیر مستقل و عامل اصلی تأثیرگذار بر تدوین تهاجم فرهنگی پیش‌دستانه شیعه‌هراسی، ظهور و بروز قدرت نرم شیعه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و نیز در پی آن تشدید بیداری اسلامی در منطقه جهان اسلام بوده است و راهکار مقابله با آن معرفی واقعی و آموزه‌های مسالمت‌جویانه مکتب تشیع است. ظرفیت بالا و تجربه موفق شیعه در دولت‌سازی موجب تشدید بیداری اسلامی در منطقه گردید و منافع اقتصادی و تفکر استکباری را دچار چالش نمود؛ لذا احتمال احیای مجدد تمدن اسلامی را افزایش داده است. از منظر دولتمردان غربی، استراتژی شیعه‌هراسی به عنوان جنگ سرد پیش‌دستانه می‌تواند تا حدی احیای مجدد تمدن اسلامی را تأخیر اندازد.

اما سؤال مهمی که اینجا مطرح شد، این بود که اسلام سیاسی ناب و حقیقی در درون خود دارای چه پتانسیلی در خصوص روابط بین‌المللی است؟ در پاسخ فصلی را تحت عنوان راهکارهای مقابله با توهم شیعه‌هراسی گشودیم و با تمسک به برخی آیات قرآن نشان دادیم که، نه تنها توهم شیعه‌هراسی مبنای اسلامی ندارد، بلکه بر عکس، آموزه‌های اسلامی مبشر زندگی مسالمت‌آمیز، صلح و رحمت مبتنی بر روابط متقابل عادلانه است. بدین لحاظ تنها راهکار مهم برای مقابله با توهم خشونت، تنفر و هراس‌های متوهمانه، معرفی واقعی اسلام از مجرای بیداری اسلامی و بصیرت سیاسی است.

در هر صورت مسئله ایجاد هراس برای انزوای اسلام به عنوان یک اندیشه و آرمان، در اروپا و غرب پیشینه دارد. مهم راهکارهای مقابله با آن است؛ همچنان‌که انقلاب فرانسه را اروپائیان سال ۱۸۱۵ در کنگره وین تکفیر و تلاش کردند مهار کنند، اما با مقاومت انقلابیون



فرانسوی، موفق نشدند و نهایتاً اندیشه و آرمان انقلاب فرانسه (جمهوریت و دولت ملی) به سراسر غرب صادر شد و زندگی سیاسی جدیدی را در غرب رقم زد. اکنون انقلاب اسلامی ایران که اندیشه و آرمان جدیدی را وارد زندگی و روابط بین‌الملل نموده است، شبیه سال‌های ۱۸۱۵ اروپا را پیدا نموده و لذا صبر، تحمل، درایت، بصیرت، معرفی عالمانه و خردمندانه اصول مسالمت‌جویانه آن، راه را بر هرگونه برداشت غلط می‌بندد و افق را برای به‌ثمرنشتن بیداری اسلامی و مبدل‌شدن آن به دولت‌های آزاد اسلامی فراهم می‌کند و عملاً منجر به «فدراسیون جمهوری‌های آزاد اسلامی» خواهد شد؛ جمهوری‌هایی که نه تنها دنبال سلطه، خشونت و جنگ بر سر منافع دولت‌های ضعیف نیستند، بلکه به دنبال صدور معنویت و ارتقای دانش و گسترش همزیستی مسالمت‌آمیز از طریق کنش ارتباطی فرهنگی و تمدنی هستند؛ چراکه مبنای سیاست در اسلام مبتنی بر قدرت نیست، بلکه مبتنی بر هدایت، فضیلت و سعادت‌محور است. نمونه عملی آن دولت نبوی در مدینه، دولت علوی در کوفه و دولت مهدوی در آخرالزمان است؛ لذا معرفی واقعی دولت‌های شیعی (نبوی، علوی، ولایی و مهدوی) مهم‌ترین راهکار برای شبهه‌زدایی و توهم‌زدایی از آرمان‌های سیاسی حکومت شیعی هستند که مسئولیت نخبگان اسلامی را در معرفی معارف محمدی ﷺ و اهل بیت ائمه دوچندان می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. ادوارد سعید، اسلام رسانه‌ها، ترجمه اکبر افسری، تهران، توس، ۱۳۷۹.
۲. الاسد، ناصرالدین، نحن و الآخر: صراع و حوار (ما و دیگران، برخورد و گفتگو)، بیروت، ۱۹۹۷.
۳. امام خمینی، صحیفه امام، تهران نشر آثار، ۱۳۸۷.
۴. بابی سعید، هراس بینادین، اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها، مؤسس عنبری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۵. برنا بلداچی، سیروس، «هلال شیعی و ژئوپلیتیک خاورمیانه»، هفته نامه پگاه، شماره ۱۹۲، ۱۳۸۵، ص ۴.
۶. تبیان، وحدت از دیدگاه امام خمینی، دفتر ۱۵، [بی تا].
۷. ترمز، جانانان، اچ، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی، محمدعزیز بختیاری، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.
۸. تسخیری، محمدعلی، «تحولات منطقه از منظر متغیرهای دینی و فرهنگی»، هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۳۰۵.
۹. توال، فرانسوا، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه علی رضا قاسم آقا، تهران، نشر آمن، بهار ۱۳۷۹.
۱۰. جوزف نای، قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷.
۱۱. حسینی، محمدتقی، «هلال شیعی و قوس سنی»، نشریه پژوهشنامه امنیت بین المللی و تروریسم، شماره ۲، ۱۳۸۶.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۸۷/۳/۲۸.
۱۴. سایت خبری تحلیلی تابناک، ۸۷/۳/۱۹.
۱۵. سایت مطالعات شیعه‌شناسی، ژئوپلیتیک غرب، ۸۷/۱/۱۹.
۱۶. صفحی، محمد، ژئوپلیتیک فرهنگی و مسأله امنیت ملی، تهران، شمس، ۱۳۸۰.
۱۷. عزیزی، حسن، بیداری اسلامی و چشم انداز آینده و هدایت آن، ج ۲، «مقاله اسلام و تقویت فرهنگ گفت وگو در دوران خیزش اسلامی، مقاله تحقق آگاهی سیاسی مطلوب در جوامع اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴.



۱۸. غلامی، فتاح، «هلال شیعی در محاق»، سایت خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶/۴/۴.
۱۹. فاضلی‌نیا، نفیسه، «علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۶، ۱۳۸۵.
۲۰. لقطان، عدنان بن عبدالله، بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن، ج ۱، مقاله بیداری اسلامی و نیازهای فکری معاصر آن، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
۲۱. لك زای، نجف، «ژئوپلیتیک شیعه»، هفته‌نامه پگاه، شماره ۱۱۸، ۱۳۸۲.
۲۲. متقی، ابراهیم، «کارکرد نظام سلطه در روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵، ۱۳۸۶.
۲۳. آلاله، محمدحسن، «جهان در آستانه تحولی نوین»، پایگاه خبری شوشان، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰.
۲۴. دلاور پوراقدم، مصطفی، «شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در دیپلماسی امنیتی آمریکا»، خبر گذاری فارس، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰.
۲۵. مطهرنیا، مهدی، بیداری اسلامی و چشم‌انداز آینده و هدایت آن، ج ۲، مقاله تحقق آگاهی سیاسی مطلوب در جوامع اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴.
۲۶. مقام معظم رهبری، دیدار مردم چالوس و نوشهر، ۱۵ مهر ۱۳۸۸.
۲۷. مقیمی، غلام‌حسن، جزوه درسی اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، مدرسه عالی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰.
۲۸. —، جزوه درسی جغرافیای سیاسی جهان اسلام، تئوری‌های جغرافیایی، انتشارات مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.